آیین و رسوم بهاری منسوخ شده قوم کرمانج خراسان شمالی

محدثه پرهیزگار1

چکیده

 آداب و رسوم، بازی ها و تفریحات از گذشته ها مورد توجه مردم قوم کرمانج بوده که به مرور زمان کمرنگ تر شده و برخی از آنها به طور کلی منسوخ شدند. در این پژوهش به سه رسم منسوخ شده میپردازیم، اولی یکی از نمایش ها در عید نوروز به نام میر نوروزی است که در سال ۱۳۱۱ به دلیل آمدن ژاندارم ها به روستاها به کلی منسوخ شده و هدف از اجرای این نمایش شاد کردن مردم بود. رسم پختن سمنو که نوعی همیاری بین خانم ها و بیان حاجت قلبی به حضرت فاطمه زهرا را بیانگر است و هنوز به کلی منسوخ نشده و به صورت نادر دیده می شود.و به یکی از بازی هایی که بین کودکان در ایام نوروز انجام می شده و بیانگر حیله ها و خلاقیت های کودکان است پرداخته می شود روش تحقیق به صورت میدانی\_ کتابخانه ای انجام شده. هر یک از رسوم منسوخ شده به طور کلی توضیح داده می‌شود که چه رسومی بوده و به چه شکلی برگزار می شده است. کردها از اقوام دیرپای ایرانی هستند که به نظر محققین نقش اساسی در تحول فرهنگی آسیایی باستان داشتند بنابراین تعمق در فرهنگ این قوم در خور توجه می باشد. هدف پژوهش آشنایی هر چه بیشتر و بهتر جوانان ایرانی با تاریخ فرهنگ و تمدن قوم کرد و به طور اخص، تفریحات و رسوم کرمانج ها میباشد تا شاید بتوانیم به احیای آنها بپردازیم.

کلید واژه ها: فرهنگ عامه، میرنوروزی ، سمنو، تخم مرغ، قوم کرمانج.

1. دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بجنورد

۱- مقدمه

فرهنگ دربرگیرنده اعتقادها، ارزش ها و اخلاق و رفتار های متاثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعیین می شود. آداب و رسوم شامل شیوه های زندگی عادات و رسوم خاص یک ملت مردم و یا یک جماعت می شود این آداب و رسوم بیشتر در جشن های بزرگ مردم نواحی کرمانج نمایان است.

 فرهنگ داستان زندگی انسان هایی است که پیش از ما زیسته اند بسیاری از این داستان‌ها برخاسته از دوران اساطیری هستند در زندگی امروزه معنا و مفهوم خود را از دست دادند برخی دیگر در زندگی اجتماعی، فرهنگی و رفتارهای معنوی مردم جامعه نقش و معنا دارند و در انسجام و تحکیم روابط میان افراد و گروه‌های اجتماعی کارساز و موثر اند از این رو بن‌مایه بسیاری از این آیین ها در جوامع کردی به صورت کامل یا با اندک تغییری مانده است.

 استان خراسان شمالی، به مرکزیت شهرستان بجنورد در شمال شرقی ایران واقع شده است. اکثریت مردم خراسان شمالی شیعه و اقلیت قابل توجه آن اهل سنت هستند گروه‌های قومی استان اکثریت کرمان می‌باشند.

 مردم کرد تبار خراسان شمالی که در زمان حکومت صفویه مجبور به کوچ در این منطقه شدند و زبان کرمانجی یکی از زیر شاخه های زبان کردی است صحبت می‌کنند.

 قوم کرمانج در تاریخ سرزمینمان نقش بسیار مهمی داشتند و جنگ‌ها و دلاوری های آنها در راستای دفاع از وطن و ناموس، بارها در طول تاریخ تکرار شده است. کرمانج ها آداب و رسوم مختلفی در زمینه ازدواج، عید نوروز، رقص، موسیقی و ..... دارند.

 جشن و سرور شایع ترین عامل گرمابخشی به محفل آدمیان است. از روزهای آغازین تشکیل اجتماعات بشری انسان‌ها اعمالی را میان خود رایج ساختند و با گذشت زمان آن را جزئی از رسوم و عاداتشان قرار دادند و به نسل‌های بعد از خود منتقل کردند. اما متاسفانه به دلیل نبود رسم الخط کرمانجی در بین مردم ادبیات این قوم در معرض تحریف است.

۱-۱ بیان مسئله

در این مقاله سعی بر این است رسوم های بهاری منسوخ شده قوم کرمانج خراسان شمالی بررسی شود و سورها و رسومی که در گذشته بین مردم رایج بوده و باعث گرم بخشی به زندگی آنها می شده را بار دیگر یادآوری کنیم هدف این پژوهش بررسی رسوم و جشن های پیشینیان است که امروزه از یاد رفته و منسوخ شده باور های با ارزشی که باید در شرایط کنونی باردیگر یادآور شود تا با شرایط کنونی موجب تقویت روحیه و شادی مردم شود و به آیین و آداب سنتی خود باز گردیم و هویت خود را فراموش نکنیم و از دست ندهیم.

تاکنون پژوهشی درباره رسوم منسوخ شده در فصل بهار بین قوم کرمانج صورت نگرفته و کسی به دنبال آن نبوده که رسوم این قوم را مورد بررسی قرار دهد و یادآور آن باشد هدف ما یادآوری دوباره این رسوم است.

در این پژوهش در جست و جوی پاسخ به سه سوال زیر هستیم .

۱.کدام یک از رسوم و آیین های قوم کرمانج به طور کلی منسوخ شده و کدام یک هنوز پابرجا است ؟

۲.هدف از برگزاری نمایش میز نوروزی چه بوده ؟

۳.هنگام پخت سمنو چه مراحلی طی می شد ؟

2-۱ اهمیت و ضرروت

از آنجا که تنوع و تعداد آیین ها، اداب و رسوم دلیل غنای فرهنگی یک جامعه است می توان گفت مردم سرزمین ایران از فرهنگ غنی برخوردارند. فرهنگ غنی پیشینیان که در گذشته بسیار پر کاربرد بود اما امروزه منسوخ شده اند می توانند دوباره احیا شوند یکی از راه های حفظ هویت فرهنگی بازگشت به آیین ها و آداب و رسوم سنتی است تا دچار بحران هویتی نشویم.

۳-۱ پیشینه پژوهش

مقاله هایی در زمینه آیین، آداب و رسوم و فرهنگ قوم کرمانج نگاشته و بررسی شده‌است از جمله :

کلانتری (۱۳۴۳)، « سمنو پزان در تهران» روش پژوهش کتابخانه و تحلیلی، که وسایل مورد نیاز برای پخت سمنو و شیوه پخت آن را شرح می‌دهد. مشکور (۱۳۴۶)، «نوروز باستانی» روش پژوهش تحلیلی و کتابخانه ای، که راجب رسومی که در عید در زمان خلفای مختلف رایج بوده است نقل می‌کند و رسوم را شرح میدهد. گلچین معانی (۱۳۵۵)، «بازی های برد و باخت ای قرن سیزدهم» روش کتابخانه‌ای و میدانی دارد و بازی هایی که در آنها برنده و بازنده وجود داشته است را بررسی می‌کند و شرح می‌دهد. عبدالهی (۱۳۶۸)، «نوروز در تالش» روش کتابخانه ای تحلیلی دارد و مراسم های عید نوروز و رسوم مردم تالش در نوروز را شرح میدهد. عاشورپور (۱۳۷۶)، «میر نوروزی» روش کتابخانه ی تحلیلی، مراسم نوروزی را شرح کرده که شامل چه اشخاصی بوده و چگونه برگزار می شده و در نهایت میر نوروزی چه عاقبتی داشته است.

معروفی (۱۳۷۹)، «میر نوروزی در کردستان » با روش کتابخانه ای صورت گرفته واعضای این مراسم را شرح داده و شعر مرتبط با آن را بیان کرده است. مختاریان (۱۳۷۹)، «میر نوروزی به یاد احمد تفضلی» با روش تحلیلی، کتابخانه ای مراسم میرنوروزی را شرح داده است. مقدم،ریوف (۱۳۷۹)، «نوروز در گذرگاه و باورهای دینی کردها» که با روش کتابخانه ای و تحلیلی، عید نوروز را در دوره‌های مختلف زمانی و از نظر باورهای دینی و قرآن مورد بررسی قرار داده است. طهماسبی (۱۳۸۴)، «ویژه نوروز :نوروز ،پیر برنای جاوید» روش پژوهش تحلیلی \_کتابخانه ای است که تمامی آداب را قبل و بعد از نوروز بیان کرده و نوروز را در عهد مختلف شرح داده است. زنگویی (۱۳۸۵)، «آیین های جشن نوروزی در خراسان جنوبی» با روش کتابخانه ای و میدانی صورت گرفته که در چهار بخش آئین های پس از نوروز و مراسم سال تحویل و آئین های پس از سال تحویل را مورد بررسی قرار داده است. رامیدی نیا (۱۳۸۹)، «نوروز در فرهنگ کردی» که روش کتابخانه ای داشته رسوم قبل نوروز و هنگام سال تحویل و بعد از آن را بررسی کرده اند.

بلوک باشی (۱۳۹۲)، «نوروز و خوان نوروزی /نقش نمادین و اجتماعی آن در فرهنگ رفتاری و هویتی» روش کتابخانه ای و تحلیلی داشته و جشن نوروز و عناصر شکل دهنده آئین های نوروزی در ساختار فرهنگی زندگی مردم و هویت بخشی آنها بررسی می کند. شوکتی (۱۳۹۸)، «توده شناسی بازی های آذربایجانی در شعر شهریار» روش توصیفی \_تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و پژوهش های شفاهی بین مردم صورت گرفته و راجب شهریار و بازی هایی که در آثارش به آنها اشاره کرده است بحث میکنند. سینا ،مرادی (۱۳۹۹)، «واکاوی مولفه های هویتی در نمایش میر نوروزی از منظر نظریه ی میخاییل باختین» روش کتابخانه ای و میدانی با استناد به مفاهیمی به چگونگی شکل گیری و بازنمایی این مفاهیم در نمایش میر نوروزی پرداخته شد. ملا صالحی (۱۳۹۹)، «نوروز ،هویت دینی و ملی ایرانیان» شیوه کتابخانه ای و میدانی دارد و نوروز را از جنبه های نظری و فلسفی مورد بررسی قرار داده اند.

۲- بحث و بررسی

۱-۲ میرنوروزی (میر میرین )

میر نوروزی یکی دیگر از نمایش های ایرانی بوده است که از گذشته‌های دور در اکثر نقاط ایران مانند، بوشهر، کردستان ،نواحی بختیاری، شرق عراق و ترکیه متداول بوده و هر ساله به جهت خنده و تفریح عمومی به اجرا در می آمد و موضوع آن به حکومت رسیدن موقت فرد عادی در چند روز تعطیلات عید نوروز بوده است. که این سلطان موقت (دروغین) با دادن حکم های مسخره و غیر معمول در این ایام چنانکه گفته شد موجبات شادی و خنده مردم روستای خود را فراهم می کرده است و پس از چند روز حکومت محتمل در روز ۱۳ نوروز سلطان دروغین را با کتک پاداش می داده و از سلطنت خلع می کرده اند (عاشورپور ،۱۳۷۶:ص.۶۴).

مردم از میان خود فرد عامی را به امارت حکومت موقت بر می گزینند و به او عنوان میر نوروزی اعطا می‌کند او در نخستین چهارشنبه سال نو به تخت می نشیند و سپس مرد گوپال زرین (Gopal\_zarin) در پیشگاه امیر بهاری تعظیم کرده و افراد تشکیلات حکومت موقت را به شرح زیر معرفی می کند:

۱.امیر بهاری یا میر نوروزی

۲. کهن وزیر، که از میان میران شوخ و بذله گو انتخاب می‌شود و مرد خردمندی است که نقش مشاور و حل کننده مشکلات را عهده دار است

۳. وزیر دست را که احکام منطقی صادر می کند

۴. وزیر دسته چپ که فرمان های مسخره و عجیب می دهد

۵. میرزا فردی باسواد است و سمت دبیری دارد

۶.فراشان و خدمتگزاران

۷. خنجر زنان یا جلادان که لباس سرخ می پوشند

۸. مرد گوپال زرین مامور ابلاغ های میرنوروزی

۹. نوازندگان که معمولاً تعدادشان به ۲۵ نفر می رسد و به صورت افتخاری انجام وظیفه می کند

۱۰. آوازه خوان ها و سرودخوان ها که گاهی دسته جمعی و گروهی نوبتی و بعضی به صورت مشاعره آواز خوانی میکند

۱۱.دلقک

(معروفی ،۱۳۷۹:ص. ۶۸).

۱-۱-۲ نمایش میر نوروزی

میر نوروزی مراسمی است که طی آن مردم در اوایل بهار در آستانه شروع سال جدید با حضور دسته جمعی اجرا می‌کنند. تمامی اهالی می بایست در جشن حاضر شود و میر جدید جایگزین حاکم یا شاه شوند. و میر جدید جایگزین حاکم یا شاه کرده که در ادامه وزرا اطرافیانی از همان مردم عادی به خدمت میر انتخاب می شود و تاج نمادین شاه را به میر جدید سپرده و زیورآلات و اسباب و وسایل دربار را به شکل امانتی به او می سپارند. به مدت ۵ تا ۱۳ شبانه روز اداره شهر و روستا به منتخبان جدید سپرده می شود. میر نوروزی به همراه نزدیکان منتخب در میان مردم حاضر می‌شود و به محل ها و خانه ها سر می زند و به حرف های مردم گوش می‌دهد و دستوراتی برای رفع مشکلات آنها صادر می کند (سینا ،مرادی ،۱۳۹۹: ص. ‌۲۸).

میر نوروزی با صدور فرمان های غیر معمول با همکار خویش به شاد کردن و خنداندن مردم مشغول می شد زیرا هدف از اجرای نمایش همین بود اما این شادی و خندیدن فقط حق مردم بود. میر به هیچ وجه حق خندیدن نداشت و اگر کوچکترین لبخندی بر لبانش می‌نشست کارش تمام بود. چند روزی از عمر دولت میرنوروزی می‌گذشت نمایش ثمره خود را از دست می‌داد و دیگر غیرقابل تحمل می شد و مردم در صدد بر می آمدند تا نمایش را به پایان برند و برای تحقق این امر دست به دامان دلقک می شدند و او را وا می داشتند تا با ادا و اطوار هاو‌متلک پرانی ها خود میر را وادار به خنده کند و بعد از خندیدن میر نوروزی ، پایان ناخوش نمایش نوروزی را اعلام می‌کرد. یورش همگانی مردم دستگیری وی و کتک زدنش را در پی داشت ولی اگر پیش دستی میکرد و پا به فرار می‌گذاشت جان خود را از مهلکه نجات میداد (عاشور پور ،۱۳۷۶: ص۶۵،۶۶).

بدین ترتیب برنامه سودمند و مسرت‌بخش میر نوروزی مطابق کیفیات اخلاقی و روحی مردم هر ناحیه تا سال ۱۳۱۱ خورشیدی رایج بود و از آن تاریخ به سبب اجرای برنامه نظانوین دادگستری و رفتن منابطان دستگاه مزبور (ژاندارم ها ) به همه روستاهای کشور این سنت دیرینه ملی متروک گردید (حقیق،۱۳۴۸: ص. ۳۲۵).

با توجه به اشعار حافظ در خصوص میر نوروزی و حکومت و فقط آن معلوم می‌شود که این نمایش نوروزی به گذشته‌های دور مربوط می شود

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این بار ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

ز جام گل دگر بلبل چنان مست می و لعل است

که زد بر چرخ فیروزه صفیر تخت فیروزی

به صحرا رو‌ که از دامن غبار غم بیفشانی

به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

سخن در پرده میگویم چو گل از غنچه بیرون ای

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

(معروفی ،۱۳۹۷: ص. ۶۸).

قزوینی می‌گوید: یکی از دوستان موثق از اطبای مشهور که سابقاً در خراسان واقعی بوده اند در جواب استفسار من از ایشان در این موضوع چنین مرقوم داشته اند:

در بهار سال ۱۳۰۲ خورشید که برای معالجه بیماری به بجنورد رفته بودم از اوایل فروردین تا چهاردهم فروردین آنجا بودند در دهم فروردین دیدم جمعیت کثیری سواره و پیاده می گذشتند یکی از آنها با لباس های فاخر به اسب رشیدی نشسته بود چتری بر سر افراشته بود و جماعتی سواره و پیاده در رکاب او در حرکت بودند چند نفر هم چوب سفید در دست داشتند که بر سر هر چوبی سر حیوانی از قبیل سر گاو و سر گوسفند بود و این رمز آن بود که امیر از جنگ برگشته است. تحقیق کردم گفتند: در نوروز یک نفر امیر می‌شود که تا ۱۳عید حکم فرمای شهر است و بعد از تمام شدن سیزده عید دوره امارات او به سر می آمد (میرنیا، ۱۳۸۱:ص.۵۱،۵۲).

مسعودی در مورد میر نوروزی می نویسد: پنج روز آخر آن فروردگان است که روز اول آن در عراق و ایران کوسه بر استر خود سوار شود و این جز در عراق و دیار عجم رسم نیست و اهل شام ، جزیره مصر و یمن آن را ندانند و تا چند روز جوز و سیر و گوشت چاق و دیگر غذاهای گرم و نوشیدنی های گرمازا و سرمابه، به او بخورانند و بنوشانند و چنان وانمود کنند که سرما را بیرون میکند و آب سر دیوار ریزند و احساس رنج نکنند و به فارسی بانگ زنند گرما، گرما و این هنگام عید، جیمان است که در ثنای آن طرب کنند و شاد باشند آیین میر نوروزی پنج روز پیش از نوروز برگزار می شود.(نوروزی ،۱۳۹۱: ص. ۱۶۱).

۲-۲ پخت سمنو

کرمانج ها به سمنو، سمنی می گویند هر کسی، نمی تواند وظیفه پخت سمنو را به عهده بگیرد کسی که میخواهد سمنو بپزد باید هم آشپز ماهری باشد و هم اینکه شرایطش را داشته باشد مثلا افراد عزادار نمی توانند سمنو بپزند یا خانواده هایی که مریضی دارن نباید دست به این کار بزند شاید به این خاطر است که پختن سمنو رمزی از خوشی است و کسی که نا خوشی دارد و یا مریضی در خانواده دارد نباید به این کار دست بزند بلکه باید نیت کند که با خوردن سمنوای که برایش می آورند بهبود یافته و از گرفتاری و ناخوشی رهایی یابد.(نوروزی ،۱۳۹۱: ص.۱۸۰).

چند روزی مانده به عید نوروز دختران و زنان جوان چند روز زودتر گندم را در آب خیس کرده و در دستمالی نمناک میگذارند تا گندم سبز شود و زیر نظر خانم مسن و با تجربه ای سبزه ها را در هاون می کوبند و شیره گندم سبز شده را می‌گیرند و آن را از صافی رد می کنند مردان خانه وظیفه دارند که اجاق را روشن کنند و هیزم ها را زیر اجاق بگذارند و بعد از روشن کردن آتش وظیفه آنها به پایان می‌رسد و خانم ها دیگ بزرگی را روی اجاق قرار می‌دهد و دختر های جوان و خانم با تجربه و مسن از ابتدای شب شیره گرفته شده را داخل دیگ می‌ریزند و کمی ارد سرخ شده را به شیره اضافه می کنند و محتویات دیگر را به نوبت، هر از چند گاهی با کفگیر هم میزنند.

 افرادی که در مراسم سمنو پزان حضور دارند هنگام به هم زدن سمنو نیت هایی می کنند و خواسته های قلبی خود را از خدا میخواهد و کمی از سمنو را در دهان خود می گذارند و معتقدند که اگر از ان بخورند آن سمنو در زیر زبانشان جوانه میزند و سبز میشود و باعث می شود به مراد قلبی خود برسند. آنها باید با چشم و دل پاک سمنو را هم بزنند.

 از آداب دیگر سمنو پختن صلوات فرستادن و دعا و روضه برای حضرت زهرا است و کسانی که حاجت دارند به حضرت زهرا متوسل می‌شود و هنگام هم زدن نیت می‌کنند که اگر سال بعد همان موقع، حاجت روا شده باشند به همان اندازه گندم برای سمنوی سال بعد به گندم هایی که برای پخت سمنو تهیه شده اضافه کنند.(به نقل از فاطمه بیگم پرموزه1 ،مصاحبه ۱۴۰۱٫۹٫۱۰).

نذرها برای خواستن آرزوها از خدا یا امامان، امامزادگان ، خویشاوندان خاندان ائمه و برخی از آنها فقط به یک تن اختصاص دارد. مثلا شله زرد ویژه امام حسن و یا نان خرما ویژه حضرت رقیه است سمنو نیز ویژه حضرت فاطمه زهرا و شیرینی سمنو، از اثر انگشت آن حضرت پنداشته می‌شود نه از شیرینی شیره جوانه گندم، زنانی که باردار نمی شوند نذر می کنند و از حضرت فاطمه فرزند می خواهد تا هر سال سمنو بپزند. بقیه زنان هر نیت قلبی داشته باشند از حضرت فاطمه زهرا میخواهد (کلانتری ،۱۳۴۳:ص.۳۳)

 آداب دیگر آن است که خانم ها کل شب تا نزدیک سحر بیدار می‌ماند و زنهای مسن تر در جمع تا صبح به قصه گویی می پردازند و در کنار دیگ با سرگرمی های مختلف شب را صبح می کنند. بعد از پختن سمنو به همراه نماز صبح دو رکعت نماز حاجت می خوانند و طلب حاجت از خداوند دارند و کدبانوی مسن سهمیه آنهایی که تا صبح زحمت کشیده‌اند و همکاری کردند را با توجه به تعداد نفرات خانواده می دهد و بعد هم سهم کسانی که عزادار بودند را می فرستد و بعد خانواده های بیمار دار و در نهایت سهم همسایه ها را می دهد .

نوع دیگر سمنو پختن کلچه تنوری است که شیره آماده را با آرد سرخ شده مخلوط نموده و در تنور به صورت کلچه می پزند و یا در قابلمه این کار صورت می گیرد که کاری دشوار و سخت است و از عهده هر خانمی بر نمی آید.

 نکته دیگر اینکه نوع کاشت محصول کشاورزی را در سال از روی نمونه‌ی سبزی که برای عید نوروز گذاشتن مشخص می‌کنند هر سبزی که رشد بهتری داشته باشد محصول کشاورزی همان سال است.(نوروزی ،۱۳۹۱:ص. ۱۸۰،۱۸۱،۱۸۲).

سمنی جون منه

شیره دندون منه

هر کس سمنی نجوشانه

کره خره کره خره

(به نقل از حلیمه نیرومند گزکوه2، مصاحبه ۱۴۰۱٫۹٫۱۰)

۳-۲ تخم مرغ زنی (بیضه بازی )

از بازی های پرطرفدار روز های عید تخم مرغ زنی است. این بازی به این شکل انجام می گرفت که بچه ها با جیب های پر از تخم مرغ پخته، رنگ شده به میدان یا کوچه می آمدند و با هم بازی میکردند. ابتدا یک نفر سرباریک تخم مرغ پخته را به سمت خارج در میان حلقه انگشت اشاره و شست خود می گرفت و آن را با دستانش محکم نگه میداشت، دیگری هم با نوک تخم مرغ ضربه های سنجیده حساب شده به تخم مرغ طرف وارد میکرد. هر کس تخم مرغ در دستش می شکست بازنده بود و باید تخم مرغ شکسته را به طرف بازی بدهد و دیگری به عنوان برنده کار را ادامه دهد تا زمانی که تخم مرغ او بشکند بعد از آن حریف از سر نو بازی را آغاز می‌کرد (زنگویی ،۱۳۸۵:ص. ۲۷).

وقتی میخواستن سختی و سفتی بیضه (تخم مرغ )را امتحان کنند آن را به دندان های خود می زدند. هر تخم مرغی که سخت تر باشد، طنین مس و روی به گوش می‌رسد و هرکدام سست باشد صدای سفال شکسته می دهد و یا هر تخمی که سرش باریک و اندکی برجستگی مانند آبله یا غده دارد محکم تر است (گلچین معانی ،۱۳۵۵:ص. ۴۳).

گاهی برخی از بچه ها که می خواستند با ترفند، تخم مرغ های بیشتری به دست آوردن نوک تخم مرغ را سوراخ کرده و داخل آن را پر میکردند تا تخم مرغ سنگین و مستحکم شود و به راحتی نشکند (شوکتی ،۱۳۹۸:ص.۶۰).

بعضی از بازیکنان تخم مرغ ها را به طرز ماهرانه ای از مواد سنگین پر می کردند تا با همان ضربه اول تخم مرغ و حریف را بشکند و با سوزن در تخم مرغ خام سوراخ ایجاد می‌کند و محتوای تخم مرغ را خالی و از مواد سنگین پر می‌کنند و آن را رنگ میکردند تا سوراخ آن مشخص نشود. اگر سنگ سفید هم پیدا می کردند آن را می تراشیدند و به شکل تخم مرغ در می آوردند طوری که قابل تشخیص نباشد که تخم مرغ است یا سنگ اگر کسی متوجه نمی شد تا پایان بازی تمام تخم مرغ ها را برنده می شد.

نوعی تخم مرغ هم به نام تخم مرغ لاری بود که تخم آن به آسانی نمیشکند. اگر بازیکن متوجه می‌شد که حریف تخم مرغ لاری دارد با او بازی نمی کرد.(به نقل از حیدر علی پرهیزگار3، مصاحبه ۱۴۰۱٫۹٫۱۰)

خوشی است بر سر کو تخم مرغ بازی یار

نشسته هر طرفی عاشقان قطار قطار

سیفی نجاری

عید است و بدست آ نگار سر مست

ببینید اگر بیضه رنگی هست

آن بیضه رنگین دل خونین مست

طفل است و پی شکستن آورده به دست

۳- نتیجه گیری

آیین ها، آداب و رسوم هر ملت سازنده عناصر فرهنگی آن جامعه است ولی این آداب و رسوم طی سال های اخیر کمرنگ شده اند یا به کلی منسوخ‌شده که در این پژوهش سه تا از این رسوم را یاد آور میشویم. آیین میر نوروزی که یکی از نمایش های ایام عید نوروز بوده و فرد عادی در این نمایش به حکومت می رسد و مردم از فرمان های طنز وی لذت می برند و شادی می کردند. در واقع هدف اصلی هم شاد کردن مردم بوده و زمانی که نمایش برای مردم خسته کننده می شد به نمایش پایان میدادند که ۱۱ نفر در این نمایش ایفای نقش میکنندولی متاسفانه این نمایش در سال ۱۳۱۱ به سبب برنامه نظانوین دادگستری و رفتن منابطان دستگاه مزبور (ژاندارم ها) به همه روستاها به کلی منسوخ شده اما رسم سمنوپزان که کرمانج ها برای عید نوروز با همیاری زنان روستا و اقوام و آشنایان سمنو می پختند و هنگام پخت آن نذرهایی میکردند و رسومی انجام می دادند به کلی منسوخ نشده و در برخی روستاها اجرا می شود. تخم مرغ بازی هم که بچه ها با تخم مرغ هایی که عیدی می گرفتند باید به تخم مرغ های هم ضربه میزدند و تخم مرغ هر کس که می شکست بازنده بازی بود و برنده صاحب تخم مرغ های فرد بازنده می شد هنگام این بازی حیله و نیرنگ های زیادی انجام می شد تا بتوانند برنده بازی باشند این بازی هم به کلی منسوخ شده زیرا تفریحات کودکان تغییر کرد و بیشتر به فضاهای مجازی و بازی های اینترنتی روی آورداند.

مردم سرزمین ما از فرهنگ غنی برخوردارند که باید آن را نسل به نسل به بهترین نحو به آیندگان منتقل کنیم. در این روزگار که بحران هویت بسیار نمایان شده و سبک زندگی غربی به فرهنگ اصیل ایرانی رخنه کرده است باید کوشید تا این فرهنگ را حفظ و پررنگ تر از گذشته به نمایش در بیاوریم چرا که یکی از راه های حفظ هویت فرهنگی بازگشت به آداب و رسوم سنتی است. و متاسفانه به دلیل نبود رسم الخط کرمانجی در بین مردم این قوم در معرض تحریف است امید به اینکه به عنوان یک ایرانی از هر نژاد و زبان و شهری که هستیم بتوانیم سهم کوچکی در حفظ سنت های دیرینه نیاکانمان داشته باشیم.

یادداشت

۱. شخص مصاحبه شونده، فاطمه بیگم پرموزه، متولد ۱۳۳۱٫۴٫۱۱، اهل روستای عبدل آباد

۲.شخص مصاحبه شونده، حلیمه نیرومند گزکوه،متولد ۱۳۲۷٫۷٫۲۱، اهل روستای برج

۳. شخص مصاحبه شونده، حیدرعلی پرهیزگار، متولد ۱۳۴۹٫۱٫۱۲، اهل روستای ایزمان علیا

منابع

حقیق ، فضل الله (۱۳۴۸). «آئین نوروزی و میرنوروزی ». نشریه بررسی های تاریخی . ش۱. صص۱-۲۳.

زنگویی ، حسین (۱۳۸۵). «آئین های جشن نوروزی در خراسان جنوبی». نشریه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. ش۳. صص۹-۳۲.

سینا،خسرو و مهدی مرادی (۱۳۹۹). «واکاوی مولفه های هویتی در نمایش میرنوروزی از منظر نظریه ی میخائیل باختین». نشریه پژوهشنامه ادبیات کردی . ش۱. صص۲۵-۳۹.

شوکتی ، آیت (۱۳۹۸). «توده شناسی بازیهای آذربایجان در شعر شهریار ». نشریه ادبیات و زبان های محلی ایران زمین. ش۴. صص۴۵-۶۳.

عاشورپور، صادق (۱۳۷۶). « میرنوروزی ».نشریه سینما تائتر . ش۲۵.صص۴۴-۶۹.

کلانتری ، منوچهری (۱۳۴۳). «سمنو پزان در تهران ». نشریه هنر و مردم . ش۱۸. صص۳۲-۳۳.

گلچین معانی ،احمد (۱۳۵۵). «بازیهای برد و باختی قرن سیزدهم ». نشریه هنر و مردم . ش۱۶۴. صص۲۸-۴۵.

معروفی ،سیروس (۱۳۷۹). «میرنوروزی در کردستان». نشریه کتاب ماه هنر. ش ۲۹. صص۶۸-۶۹.

میرنیا، سیدعلی (۱۳۸۱) نگاهی به فرهنگ عامه مردم خراسان. مشهد سخن گستر.

نوروزی، نوروز علی (۱۳۹۱) آیین ها و آداب نوروز. اسفراین باغ کاغذی.